



The role of social behaviors and consequences of violence: A qualitative study with a grand theory approach

Seed Saleh¹, Abdolreza Adhami², Shahla Kazemipoor³

1. PhD Student, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. (Corresponding author)* Associate Professor, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Aim and Background: Research has shown that examining the social behaviors of violence makes it possible to achieve its consequences; therefore, the purpose of this study is to investigate the role of social behaviors and consequences of violence with a grand theory approach.

Methods and Materials: This research was conducted with qualitative methodology and in the field of grounded theory in 2019 in Mashhad. Participants in this study were 17 male students in whom violent behaviors were observed, who were selected by purposive sampling. Data were collected through in-depth interviews and analyzed using open, axial and selective coding steps.

Findings: After analyzing and coding the data based on the approach of Strauss and Cobain Grand Theory, 20 categories were extracted which were classified into three dimensions: causal, contextual and intervening as well as outcome. The process of creating and reproducing violence was explained.

Conclusions: It seems that the categories and dimensions considered in this study explain the processes of reproduction of violence and in this regard, it can be used for related research.

Keywords: Social behaviors, Violence, Adolescents, Grand Theory.

Citation: Saleh S, Adhami A, Kazemipoor S. **The role of social behaviors and consequences of violence: A qualitative study with a grand theory approach.** Res Behav Sci 2021; 19(2): 204-210.

* Abdolreza Adhami,
Email: adhamiab@yahoo.com

نقش رفتارهای اجتماعی و پیامدهای خشونت: مطالعه ای کیفی با رویکرد گراند تئوری

سعید صالح^۱، عبدالرضا ادهمی^۲، شهلا کاظمی پور^۳

۱- دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- (نویسنده مسئول)* دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: تحقیقات نشان داده است که بررسی رفتارهای اجتماعی خشونت، دست یابی به پیامدهای آن را ممکن می سازد؛ بنابراین هدف از این تحقیق بررسی نقش رفتارهای اجتماعی و پیامدهای خشونت با رویکرد گراند تئوری می باشد.

مواد و روش ها: این پژوهش با روش شناسی کیفی و به شیوه ی نظریه زمینه ای در سال ۱۳۹۸ در شهر مشهد انجام شده است. مشارکت کننده گان این پژوهش ۱۷ نفر دانش آموز پسر که در آن ها رفتارهای خشونت آمیز دیده شده است بودند که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها به وسیله مصاحبه عمیق جمع آوری و با استفاده از مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: پس از تحلیل و کدگذاری داده ها بر اساس رویکرد گراند تئوری استراوس و کوبین ۲۰ مقوله استخراج گردید که در سه بعد علی، زمینه ای و مداخله گر و همچنین پیامد دسته بندی شدند و از ترکیب سه بعد علی، زمینه ای و مداخله گر فرایند ایجاد و بازتولید خشونت تبیین گردید.

نتیجه گیری: به نظر می رسد که مقوله بندی ها و ابعاد مورد نظر در این تحقیق موجب تبیین فرایندهای بازتولید خشونت می گردد و می توان در این ارتباط از آن برای زمینه های تحقیقات مرتبط از آن استفاده کرد.

واژه های کلیدی: رفتارهای اجتماعی، خشونت، نوجوانان، گراند تئوری.

ارجاع: صالح سعید، ادهمی عبدالرضا، کاظمی پور شهلا. نقش رفتارهای اجتماعی و پیامدهای خشونت: مطالعه ای کیفی با رویکرد گراند تئوری. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۴۰۰؛ ۱۹(۲): ۲۱۰-۲۰۴.

*- عبدالرضا ادهمی،

رایان نامه: adhamiab@yahoo.com

مقدمه

خشونت یکی از پدیده‌های آسیب‌زای اجتماعی است که قدمتی به درازای تاریخ بشری دارد و در برخی از روابط بین کنشگران اجتماعی، نمود پیدا می‌کند (۲). از هر سه نوجوان یک نفر خشونت لفظی، عاطفی، جسمی و یا خشونت جنسی توسط نزدیکانش را تجربه نموده است (۳). خشونت رفتاری است که دامنه آن از تحقیر، تهدید، فحاشی، ضرب و جرح، تخریب اموال و دارایی و قتل را در برمی‌گیرد. رفتار خشونت‌آمیز در همه‌جا مشاهده می‌شود و هم‌روزه بر شمار قربانیان آن بخصوص اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر افزوده می‌شود (۴). پدیده خشونت هم دارای بعد فردی است و هم بعد اجتماعی. روابط انسان‌ها را هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد و روابط خصمانه و نفرت‌انگیز را جایگزین روابط انسانی و احترام‌آمیز می‌نماید. خشونت سلامت جسمی و روانی افراد و اجتماع را تهدید می‌کند و از اینکه افراد تمام توان خود را صرف خواسته‌ها و اهداف تحصیلی و شغلی نمایند؛ ممانعت به عمل می‌آورد. رفتار خشونت‌آمیز علاوه بر آثار مقطعی و کوتاه‌مدت، دارای آثار و پیامدهای جسمی و روانی بلندمدت هم برای مرتکبین و هم برای قربانیان است (۵). بر اساس پیمایش ملی که در بین نوجوانان سریلانکا با نمونه‌ی آماری ۲۹۹۱ در مدارس صورت گرفته است ۷۵٪ پاسخگویان تجربه‌ی اذیت و آزار توسط تعدادی از همسالانشان در مدرسه را داشته‌اند (۶، ۷). بر اساس مطالعه دیگری که در بین ۶۳۰ نوجوانان با متوسط سنی ۱۶/۵ سال در منطقه‌ی کالائرا سریلانکا انجام شده است ۵۰٪ از نوجوانان در طول ۶ ماه منتهی به پیمایش مرتکب و یا قربانی خشونت فیزیکی بوده‌اند (۸)؛ همچنین بر اساس آمارهای اخیر مرکز ملی آموزش، حدود یک‌سوم از دانش‌آموزان پایه‌های ۹ تا ۱۲ اذعان کرده‌اند که در طول ۱۲ ماه گذشته، حداقل یک‌بار در خشونت‌های فیزیکی مشارکت داشته‌اند و ۱۲ درصد از آن‌ها گفته‌اند که در ۱۲ ماه گذشته در محیط مدرسه به زدوخورد پرداخته‌اند (۹). اسپلیج معتقد است که رفتار خشونت‌آمیز علاوه بر بروز صدمات جسمی و روانی مشهود و آنی، برای مرتکبین و قربانیان، پیامدهای نامطلوب آموزشی و روانی درازمدت نیز دارد (۱۰). رفتار خشونت‌آمیز به ایجاد آثار منفی: از بین رفتن محیط خلایق، ایجاد فضای خشونت‌زا و بروز نگرانی و اضطراب در فضای یادگیری منجر می‌شود و این پدیده، عدم تأکید بر انجام

وظایف و تکالیف درسی و از بین رفتن فضای همکاری و هماهنگی اجتماعی در محیط مدرسه را در پی دارد (۵). نوجوانانی که مرتباً قربانی خشونت می‌شوند ممکن است مستعد از دست دادن انگیزه، تندرستی، کاهش آستانه‌ی تحمل و سلب اعتماد به نفس شوند. این امر بخصوص در میان کودکان با سن و سال پایین‌تر بیشتر رخ می‌دهد. نوجوانانی که قربانی خشونت می‌شوند از داشتن روابط قوی، مستحکم و حمایتی با والدین، معلمان و دوستان هم سن و سال خود محروم هستند. افرادی که قربانی رفتار خشونت‌آمیز می‌شوند و نمی‌توانند مأمون و یا راهی مناسب و درخور برای محافظت و رهایی از خشونت بیابند، ممکن است در عوض مقابله‌به‌مثل با افراد خاطی، به فحاشی و پرخاشگری یا رفتارهای کنترل نشده در مورد خود بپردازند (۵).

نوجوانان و جوانانی که گرفتار پدیده خشونت می‌شوند در اکثر موارد فرصت‌های مهم زندگی را در سنین سرنوشت‌ساز از دست می‌دهند و زیان‌های جبران‌ناپذیری را از حیث تحصیل، کار و شغل متحمل می‌شوند، این ناکامی‌ها تأثیر نامطلوبی بر زندگی آینده‌ی آن‌ها خواهد گذاشت (۱۱) امروزه در جامعه‌ی رفتارهای خشونت‌آمیز به یک معضل و آسیب اجتماعی رو به رشد و به‌عنوان رفتاری عادی و معمول تبدیل شده است (۱۲).

بر طبق نتایج تحقیقات انجام شده (۱۳، ۱۴)، میزان رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و دبیرستانی بالاتر از حد متوسط است. این‌گونه اطلاعات و آمار از گسترش پدیده‌ی ناپه‌نچار خشونت در بین دانش‌آموزان و سایر اعضای جامعه حکایت دارد.

به‌طور کلی یافته‌های پژوهش‌های پیشین بیان می‌کند که عوامل متعددی می‌تواند بر میزان خشونت در نوجوانان تأثیرگذار باشد که این عوامل عبارت‌اند از وضعیت خانوادگی، روابط با همسالان، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و بازی‌های کامپیوتری، ویژگی‌های روانی، شرایط محیطی و ... (۱۵-۱۷). همه این عوامل یادشده جزو عوامل تأثیرگذار بر خشونت و بزهکاری نوجوانان است که به‌وسیله‌ی روش‌های کمی و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است. در این پژوهش محقق در تلاش است تا در زمینه‌ی کاهش خشونت در جوانان و نوجوانان راهکارها و راهبردهای اصولی و کاربردی را ارائه دهد.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش استفاده از رویکرد کیفی است، منظور از پژوهش کیفی را نوعی از پژوهش می‌دانند که یافته‌های حاصل از آن از طریق روش‌های آماری یا سایر ابزارهای کمی سازی به دست نیامده است.

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه روایتی که روش کارآمدی برای دریافت فرایندها و انباشت عمل مجرمانه ابتدایی بر عمل مجرمانه بعدی است، استفاده شده است. بدین صورت ابتدا وضعیت اولیه شرح داده شد (ماجرای از کجا شروع شد) سپس رویدادهای مربوط به روایت از میان انبوه تجربیات انتخاب و به شکل مجموعه‌ای از رویدادهای منسجم معرفی شدند (رویدادها چگونه یکی پس از دیگری رخ دادند) و سرانجام در پایان رویدادها، وضعیت ترسیم می‌شود (چه شده).

جامعه هدف ما دانش آموزان نوجوان در مدارس می‌باشد و مصاحبه در این گروه سنی قرار می‌گیرد؛ اما از آنجایی که مصاحبه روایتی با نوجوانان انجام می‌شود یعنی نقل فرآیند زندگی آن‌ها از کودکی تا زمان حال، لذا در نقاط مختلف پژوهش؛ علاوه بر مدرسه به خانواده هم اشاره شده است.

شیوه نمونه‌گیری مناسب در این روش نمونه‌گیری هدفمند است، در این روش نمونه‌گیری، افراد شرکت‌کننده بر اساس قضاوت پژوهشگر انتخاب می‌شوند و این قضاوت مبتنی بر مربوط بودن گروه نمونه به اهداف پژوهش است. تکمیل مصاحبه‌ها با دانش‌آموزانی که به‌عنوان فرد پرخاشگر شناخته شده‌اند و نیز در معرض پرخاشگری و خشم قرار گرفته‌اند، مصاحبه انجام خواهد شد که البته مصاحبه‌ها (جمع‌آوری داده‌ها) تا اشیاع نظری، متوقف می‌گردد.

آنچه در یافته‌ها و نتایج تحقیق از سوی پژوهشگر ذکر می‌گردد، همانی باشد که در نظر و ذهن پاسخگو بوده است و در جهت رسیدن به این امر لینکلن و گوبا به مواردی همچون تماس طولانی با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با همتایان، تحلیل موارد منفی، کفایت مراجع و کنترل از سوی اعضا اشاره می‌کنند. استفاده و انتخاب پاسخگویی که آزادانه حاضر به پاسخگویی و صادقانه جواب دادن به محقق شدند.

مصاحبه با نوجوانانی که سابقه پرخاشگری دارند و نیز در معرض خشونت قرار گرفته‌اند، صورت می‌گیرد و افراد نمونه تحقیق با توجه به قضاوت پژوهشگر انتخاب می‌شوند. این

مصاحبه به‌صورت روایتی انجام خواهد شد که مصاحبه‌ها تا زمان اشیاع نظری مقوله‌ها به پایان می‌رسد، بدین نحو که مصاحبه‌ها از زمان کودکی فرد تا زمان حال مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

روش آماری

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها به این طریق است که هر مصاحبه با توجه به اهداف تحقیق، کدگذاری آن صورت می‌پذیرد که به عبارتی کدگذاری باز و محوری (تحلیل تماتیک) در نرم‌افزار Maxqud صورت خواهد گرفت که البته باید گفت در فرآیند رفت و برگشتی مصاحبه و تحلیل، اعتبار داده‌های کیفی هم مورد بازبینی قرار می‌گیرد و درنهایت مقوله‌های محوری مورد هدف به دست خواهد آمد.

یافته‌ها

پژوهش حاضر با مشارکت ۱۷ نفر از دانش‌آموزان پسر دبیرستانی انجام شد یافته‌های تحلیلی و تبیینی و بررسی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که عوامل بازتولید خشونت در نوجوانان را می‌توان در چهار حوزه دسته‌بندی نمود که در ادامه به هر کدام از این حوزه‌ها به تفصیل اشاره می‌شود:

حوزه خانواده بی‌سامان

"توی خونه ما همیشه بگومگو و دعوا هستش، مامانم خیلی از دست بابام کتک می‌خوره، بابام وقتی پول نداره مواد بخره خب عصبی می‌شه و مامانم و مارو می‌زنه... من این‌طور مواقع از خونه می‌زنم بیرون... دلم برای مامانم و خواهرم می‌سوزه"

"به خاطر موضوع مواد و خماری‌های بابام که مامانمو کتک می‌زد مامانم یک‌بار دیگه کم آورد و جلوی همسایه‌ها خودزنی کرد و پیراهنشو جر جر کرد... منم ترسیدم کسی بدنشو ببینه سریع چادرشو انداختم روش ولی اون همش به سروصورتش می‌زد"

"آره تا حالا از دست جفتشون کتک خوردم... بابام که خیلی دست سنگینی داره هنوز رد انگشتاش روی صورت و پس گردنم حس می‌کنم... مامانم هم منو با چوب قلیون زیاد زده... فحش هم که تا دلتون بخاد به من میدن"

"بابا زندانی بنده بازه و الان به قید وثیقه آزاده... جرمش این بود که مواد توزیع می‌کرد توی پارک البته خودش مصرف‌کننده نیس"

"یکی از دایی هام و پسر عموم زندان هستن، اونا هم به جرم ضرب و جرح به چند ماه زندان محکوم شدن"

خانواده گروهی از افرادی است که با پیوندهای نسبی و سببی مستقیم باهم ارتباط پیدا می‌کنند. خانواده نهادی اجتماعی است که قدمتی به درازای تاریخ بشریت دارد و با تغییر ساختار این نهاد از ساختار گسترده به هسته‌ای به تدریج کارکردهای آن نیز تغییر یافته است. خانواده اولین نهاد جامعه‌پذیر کننده و تربیت‌کننده‌ی نسل آینده است. این نهاد وظیفه‌ی اصلی انتقال ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌های مقبول اجتماعی را بر عهده دارد. جامعه‌ی موفق ناشی از خانواده‌ی موفق است. این نهاد مهم، هرگاه در انجام وظایفش ناتوان گردد؛ تبعات اجتماعی مهمی در پی خواهد داشت که آسیب‌های اجتماعی از جمله بروز خشونت بین فردی را می‌توان ناشی از کژ کارکردی خانواده برشمرد. خانواده اصلی‌ترین منبع تأمین‌کننده‌ی نیازهای عاطفی اعضایش است. شیوع فقر عاطفی سبب تقویت عقده‌ها و بستر ساز بروز خشونت می‌شود. این نهاد با ایجاد حس همدلی، به درک مشترک، تقویت حس تعلق خاطر و تعهد در افراد کمک می‌کند. هرگاه اعتماد افراد و حس تعهدشان نسبت به دیگران مخدوش گردد به تدریج دچار نوعی از خودبیگانگی می‌شوند و روابط اجتماعی آن‌ها آسیب می‌بیند. افزایش دامن‌های بی‌توجهی و بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر زمینه و بستر ارتقای خشونت را در رفتارهای فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند.

حوزه رسانه

"ایرانی زیاد گوش نمی‌دم ولی از تلو خوشم میاد... موسیقی‌های با ریتم سنگین و تند دوست دارم مثل راک"

"کشتی کج خیلی دوست دارم به‌خصوص کشتی کج زنان... البته از اونایی که نمایشی کشتی می‌گیرن خوشم نمیاد... اون کشتی که دوست دارم که جدی باشه... یک‌بار دیدم طرف خودشو انداخت رو حریف استخونش شکست"

رسانه‌ها، ابزارهای هستند که از آن‌ها جهت انتقال پیام‌ها، بیان افکار و ایده‌ها استفاده می‌شود. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که فیلم‌های سینمایی، تلویزیونی و ویدئویی در کژ رفتاری و بزهکاری نوجوانان مؤثر هستند. رسانه‌ها از طریق نمایش رفتارهای خشونت‌آمیز، زمینه‌های یادگیری و ارتکاب چنین رفتارهایی را در ذهن نوجوانان فراهم می‌کنند. رسانه‌ها صحنه‌های خشونت‌آمیز را به گونه‌ای نمایش می‌دهند که بیننده انجام این گونه رفتارهای خشونت‌آمیز را آسان می‌پندارد اما در این رسانه‌ها آنچه نمایش داده نمی‌شود تبعات ارتکاب رفتارهای

خشونت‌آمیز است. همین نکته باعث چشم‌پوشی از تبعات و آثار رفتارهای خشونت‌آمیز از سوی بینندگان می‌شود. در بیشتر فیلم‌ها به‌صورت آشکار و یا ضمنی ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز و تهاجمی تحسین و تمجید می‌شود و در این گونه فیلم‌ها از کلیشه‌هایی استفاده می‌شود که قهرمانان با ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز نه تنها طرد نمی‌گردند و به دردسر نمی‌افتند بلکه مورد تحسین و تمجید نیز قرار می‌گیرند. البته مشاهده‌ی فیلم‌های سینمایی، تلویزیونی و ویدئویی در خلأ صورت نمی‌گیرد صحنه‌های فیلم‌ها بر اساس زمینه‌ی خانوادگی، جنسیت، میزان علاقه، رابطه با دوستان و پایگاه اجتماعی - اقتصادی بینندگان، دریافت و درک می‌شوند.

معاشران قلدرماب

"یک‌بار ۶ نفری قراره دعوا گذاشتیم ... رفتیم توی زمین خاکی و دعوا کردیم... یعنی از صبح توی مدرسه خط و نشون کشیده بودیم ولی نمی‌شد مدرسه کاری کرد"

"دوتا رفیق قسم خورده هستیم که تا آخرش باهمیم"

"اره دوستانم هم مثل خودم اعتقاد دارن آدم باید حقشو بگیره از بقیه... حرف همو خوب می‌فهمیم"

گروه همسالان پس از خانواده دومین گروهی است که نوجوانان وارد آن می‌شوند و به موازات رشد بیشتر فرد بر دایره‌ی نفوذ همسالان افزوده می‌شود. گروه همسالان حلقه‌ی اصلی بین نهاد خانواده و اجتماع بزرگ تر است نوع گروهی که فرد به آن می‌پیوندد بستگی به وضعیت خانوادگی شخص دارد. اگر فرد در مواجهه با مسائل و چالش‌هایی که مختص سنین جوانی است نتواند از ظرفیت‌های درونی خانواده استفاده نماید؛ گرایش بیشتری به سوی گروه دوستان پیدا می‌کند. فقدان همدلی، نظارت و کنترل پایین خانواده بر فرد امکان عضویت او در گروه دوستان بزهکار را افزایش می‌دهد. نوجوانان بیشتر متمایل به عضویت در گروه‌هایی هستند که از لحاظ نگرش‌ها، دیدگاه‌های فکری و موقعیت اجتماعی و اقتصادی از موقعیت همسانی باهم برخوردارند. گرد هم آمدن اعضای با مشکلات خانوادگی، عاطفی و تحصیلی مشابه هم باعث شکل گرفتن خرده فرهنگی می‌شود که ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر اجتماع بزرگ تر را نفی می‌کند و خود دست به تدوین ارزش‌ها و هنجارهای مغایر با اجتماع بزرگ‌تر می‌زند و اعضای گروه هم به علت ناکامی‌هایشان به این ارزش‌ها و هنجارهای خرده گروه اعتقاد دارند و هم جهت مورد تأیید و پذیرش قرار گرفتن از سوی سایر اعضای گروه به تبعیت از ارزش‌ها و هنجارهای درونی گروه

می‌پردازند. اغلب اوقات بدین سبب که ارزش‌ها و هنجارهای گروه در مقابل ارزش‌ها و هنجارهای اجتماع بزرگ‌تر از قدرت اقتناع پایین‌تری برخوردارند و نادیده گرفته می‌شوند اعضای گروه خرده‌فرهنگ بزهکار جهت به کرسی نشاندن خواسته‌های خود به خشونت روی می‌آورند؛ و اولین و مهم‌ترین فاکتور پیش‌بینی کننده‌ی عضویت نوجوانان در گروه‌های همسالان بزهکار، مسائل و مشکلات خانوادگی است.

مدرسه اقتدارگرا

"معاون مدرسه اصلاً زبون خوش بلد نیس... بچه هارو مثل یک حیوون می‌بینه... مارو تنه لاش صدا می‌کنه"

"تو محلمون هستند گروه‌هایی که تابلوان کارشون چیه... همه می‌دون عرق‌سگی می‌فروشن و یا خرده فروشن"

"یک‌بار معلم ازم می‌خواست درس پیرسه بهش گفتم نخوندم اونم کنفم کرد گفت مغزه خر داری ... منم بعد از مدرسه حسابشو رسیدم... بعدش تا ۱ هفته نرفتم مدرسه"

مدرسه و خشونت و مدرسه نهاد اجتماعی مدرنی است که برخی از کارکردهای سنتی خانواده از قبیل آموزش، جامعه‌پذیری و برخی از کارکردهای متناسب با خواسته‌های نظام سیاسی،

ارزش‌ها و هنجارهای طبقه متوسط را بر عهده دارد. بر اساس نتایج تحقیقات انجام شده، عوامل، عدم موفقیت تحصیلی، سخت‌گیری در مدرسه، تنبیه در مدرسه، افت تحصیلی، ترک تحصیل در سنین پایین و احساس بی‌عدالتی در مدرسه با بروز رفتار خشونت‌آمیز همبستگی مستقیم و معناداری دارند.

به‌طور کلی هرگاه در فردی عوامل و احساسات ذکر شده بیشتر مشاهده شود امکان بروز خشونت بیشتر است و در مدرسه، از راه‌های، تشویق رفتارهای صحیح نوجوانان، ایجاد حس دلبستگی و تعلق خاطر در فضای اجتماعی مدرسه، کسب دستاوردهای پایدار و مستمر در فرآیند آموزش و یادگیری، مشارکت در کارهای گروهی در مدرسه، افزایش اعتماد در بین شاگردان و کارکنان، کنترل و نظارت کارکنان بر رفتار دانش‌آموزان، یادگیری شیوه‌های گفت‌وگو و تفکر در مدرسه و کشف راه‌های حل مسئله، آموزش کنترل احساسات، تعقل و آینده‌نگری، جمع‌گرایی و پرهیز از یک‌جانبه‌نگری، رفتار خشونت‌آمیز نوجوانان و جوانان کنترل می‌گردد.

جدول ۱. توزیع فراوانی کدهای گزینشی در میان مصاحبه‌شوندگان در ابعاد استخراج‌شده در بازتولید خشونت

ابعاد مدل گزند تئوری	کدهای گزینشی	فراوانی کدهای گزینشی (N)
علی	نظارت و کنترل پایین والدین	۳
مداخله‌گر	روابط نامطلوب در خانواده	۵
مداخله‌گر	عدم حل مشکلات در خانواده	۶
زمینه‌ای	مشکلات روحی و روانی	۴
زمینه‌ای	احساس بی‌عدالتی	۴
مداخله‌گر	عوامل خطر آفرین در خانواده	۶
علی	سبک زندگی پرمخاطره	۴
علی	تأثیر رسانه‌ها	۵
علی	خشونت دسته‌جمعی	۴
زمینه‌ای	تعصبات نا به‌جا	۳
علی	تعامل و تأثیرپذیری از دوستان	۷
مداخله‌گر	پیوند و تعامل نادرست با مدرسه	۵
پیامد	برچسب مجرم داشتن	۱۱
پیامد	عدم موفقیت تحصیلی	۱۵
مداخله‌گر	محیط سازنده بزهکاری و خشونت	۱۰
علی	قربانی خشونت بودن	۸
مداخله‌گر	تعامل نامناسب دانش‌آموزان و معلمان با یکدیگر در محیط مدرسه	۸
مداخله‌گر	تبعض رفتار در مدرسه	۸
مداخله‌گر	ضعف قوانین و مقررات آموزشی	۴
مداخله‌گر	نبود برنامه‌های فراغتی	۹

نتایج جدول ۱ کدهای گزینشی در میان مصاحبه‌شوندگان در ابعاد استخراج‌شده در بازتولید خشونت را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

خشونت مشکلی است که عوارض آن نه تنها در بعد زمان و مکانی خاص سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی کودکان و نوجوانان را به خطر می‌اندازد بلکه، عواقب آن نسل‌های آتی و کل جامعه را نیز تهدید می‌کند (۱۸). در چنین فضایی شاید مدرسه دیگر نتواند به وظایف اصلی خود در رابطه با جامعه عمل کند و به ناچار در فعالیت‌هایی درگیر شود که جزو وظایف تعریف‌شده‌ی آن نیست. تداوم خشونت‌های نوجوانان علاوه بر گسترش خشونت در سطح جامعه می‌تواند در مسیر تحولات اجتماعی چالش برانگیز باشد و مانع تحقق اهداف فردی و اجتماعی شود و نیز ارزش‌های اجتماعی را با تهدید مواجه سازد. همچنین می‌تواند پیامدهای مختلفی بر عامل خشونت، قربانی خشونت و دیگران (به عنوان نظاره‌گر با میانجی) داشته باشد (۱۹). بدین لحاظ مطالعه عمیق و همه‌جانبه‌ی در زمینه‌ی پیشگیری از خشونت در مدارس امری مبرم و ضروری است، خشونت آن گونه که در افکار عمومی تصور می‌شود فقط محدود به خشونت و تعرضات فیزیکی و بدنی نیست. خشونت لایه‌های گسترده‌تری از رفتارهای انسانی را دربرمی‌گیرد (۲۰). خشونت ابتدا در ذهن شکل می‌گیرد و بر اساس گفتمان فرهنگی جامعه بنیان نهاده می‌شود. درواقع روش‌های خشونت‌ورزی را باید در ساختار فیزیکی- فرهنگی جامعه جستجو کرد، امروزه اگرچه به دلایل فرهنگی، خشونت فیزیکی کمتر به چشم می‌خورد ولی خشونت‌های روانی همواره در ساختار جامعه پنهان مانده است و قربانیان زیادی می‌گیرد (۲۱). بر اساس نتایج پژوهش انجام گرفته می‌توان گفت رفتارهای خشونت‌آمیز دانش‌آموزان

ریشه در عوامل فردی، خانوادگی و آموزشی دارد. قادر زاده و قادری (۱۹) نیز معتقدند این خشونت‌ها خشونت‌های دانش‌آموزان می‌توانند به دلایل مختلف فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی بروز نمایند. در رابطه با عوامل خانوادگی می‌توان به نحوه برخورد والدین با نیازهای فرزندان، نقش پدر به عنوان یک دیکتاتور در خانواده، تنبیه شدن از طرف والدین بخصوص پدر، تأثیر فیلم‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره اشاره کرد که می‌تواند به رفتارهای خشونت‌آمیز در دانش‌آموزان کمک کند و در رابطه با عوامل آموزشی می‌توان به نحوه ارتباط و تعامل اولیای مدرسه با دانش‌آموزان، محیط فیزیکی مدرسه، نحوه تدریس معلمان، برخوردهای نامناسب انضباطی با دانش‌آموزان، محرومیت‌های تحصیلی و الگوهای نامناسب رفتاری موجود در مدرسه اشاره کرد. تحقیقات نشان داده است که بدرفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با یکدیگر، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، پایین بودن پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین و داشتن دوستان بزهکار با خشونت دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معناداری دارد (۲۲-۲۴) که با پژوهش حاضر همسویی دارد. از محدودیت‌های تحقیق می‌توان به عدم همکاری جامعه هدف اشاره کرد که این مسئله باعث ریزش آزمودنی‌ها گردید. پیشنهاد می‌گردد که در ارتباط با پیامدهای خشونت در جامعه تحقیقات وسیع‌تری صورت بگیرد.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌باشد. بدین‌وسیله از اساتید راهنما و مشاور و تمامی کسانی که در انجام این پژوهش همکاری داشتند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

1. Dashti A, Hosseini N, Pasandeh M. Living experience of alcoholics with emphasis on factors affecting consumption. Quarterly Journal of Information Studies and Law Enforcement Security 2018;8(23):45-66. [In Persian].
2. Edwards SR, Hinsz VB. A meta-analysis of empirically tested school-based dating violence prevention programs. Sage open. 2014;4(2):111-115.
3. Marasca AR, Falcke D. Forms of violence in the affective-sexual relationships of adolescents. Interpersona: An International Journal on Personal Relationships. 2015;9(2):200-14.
4. Allen JJ, Anderson CA. Aggression and violence: Definitions and distinctions. The Wiley handbook of violence and aggression. 2017:1-14.

5. Wright DR, Fitzpatrick KM. Social capital and adolescent violent behavior: Correlates of fighting and weapon use among secondary school students. *Social Forces*. 2006;84(3):1435-53.
6. Wijeratne MP, Seneviratne R, Gunawardena N, Lynch C, Sandøy IF, Ostbye T. Correlates of peer violence among 13-to 15-year-olds in Gampaha District schools in Sri Lanka: findings from a comparison between violent and non-violent adolescents. *SAGE Open*. 2014;4(3):713
7. UNICEF. National Survey on Emerging Issues among Adolescents in Sri Lanka, National Survey Report. Colombo, Sri Lanka: Ministry of Health. 2004.
8. Wijesekera K. Selected factors associated with physical violence and immediate consequences of violent incidents among advanced level students in Kalutara educational division 2003.
9. Robers S, Kemp J, Rathbun A, Morgan RE. Indicators of School Crime and Safety: 2013. NCES 2014-042/NCJ 243299. National Center for Education Statistics. 2014.
10. Espelage DL, Basile KC, De La Rue L, Hamburger ME. Longitudinal associations among bullying, homophobic teasing, and sexual violence perpetration among middle school students. *Journal of interpersonal violence*. 2015;30(14):2541-61.
11. Haffeejee S. Waiting Opportunities: Adolescent girls experiences of gender-based violence at schools. Johannesburg: Centre for the Study of Violence and Reconciliation. 2006.
12. Krug EG, Mercy JA, Dahlberg LL, Zwi AB. The world report on violence and health. *The lancet*. 2002;360(9339):1083-8.
13. Assadi MH, Ahmadi Omid A, Bazyar N. The study of social factors affecting tendency to violence case study: high school students of chavar district 2014;15(42 & 43):27-56. [In Persian].
14. Sadeghi S, Farajzadegan Z, Kelishadi R, Heidari K. Aggression and violence among Iranian adolescents and youth: a 10-year systematic review. *International journal of preventive medicine*. 2014;5(Suppl 2):S83.
15. Brook DW, Brook JS, Rosen Z, De la Rosa M, Montoya ID, Whiteman M. Early risk factors for violence in Colombian adolescents. *American Journal of Psychiatry*. 2003;160(8):1470-8.
16. Herrenkohl TI, McMorris BJ, Catalano RF, Abbott RD, Hemphill SA, Toumbourou JW. Risk factors for violence and relational aggression in adolescence. *Journal of interpersonal violence*. 2007;22(4):386-405.
17. Gover AR. Risky lifestyles and dating violence: A theoretical test of violent victimization. *Journal of Criminal Justice*. 2004;32(2):171-80.
18. Chukwu-Okoronkwo S, Omeonu D, Onwuka D. Television and Video Films and the Rhythm of Violence: Assessing the Negative Effect of Youths' Exposure to Violent Television and Video Films Content. *New Media and Mass Communication*. 2020;92:15-24.
19. Ghaderzadeh O, Gaderi B. Multilevel Analysis of Violence: A survey of violence against high school students in saqqez strategic research on social issues in iran (strategic research on security and social order). 2016;5(1):61-80. [In Persian].
20. North DC, Wallis JJ, Weingast BR. Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded human history: Cambridge University Press; 2009.
21. Khoshknab MF, Oskouie F, Najafi F, Ghazanfari N, Tamizi Z, Ahmadvand H. Psychological violence in the health care settings in Iran: a cross-sectional study. *Nursing and midwifery studies*. 2015;4(1).
22. Rodriguez CM, Tucker MC. Behind the cycle of violence, beyond abuse history: A brief report on the association of parental attachment to physical child abuse potential. *Violence and Victims*. 2011;26(2):246-56.
23. Harman JJ, Kruk E, Hines DA. Parental alienating behaviors: An unacknowledged form of family violence. *Psychological Bulletin*. 2018;144(12):1275.
24. Holt S, Buckley H, Whelan S. The impact of exposure to domestic violence on children and young people: A review of the literature. *Child abuse & neglect*. 2008;32(8):797-810.